



۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵

جغرافیای تاریخی شرق خلافت (خراسان و ماوراء النهر)

مؤلف: دکتر رمضان رضائی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران

طراح جلد و صفحه آرا: علی قنبریان

ناشر: میراث فرهیختگان Miras Farhikhtegan Publications

۰۲۱۵۵۵۴۰۷۶۵ و ۰۹۱۲ ۸۵ ۱۹۹ ۸۵

ناظر چاپ: مؤسسه فرهنگی هنری «نوبین پژوهش فیاض»

Novin Pazhuhesh Fayyaz Art and Cultural Institute

چاپ اول / تیر ۱۴۰۰ شمسی / شمارگان: ۵۰۰ نسخه

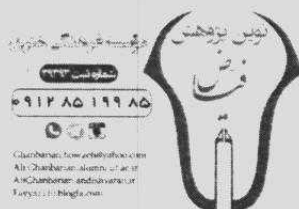
محل نشر: تهران / قطع: وزیری / قیمت: ۵۰ هزار تومان

ارتباط با نویسنده: rezayi@ut.ac.ir

مالکیت مادی و معنوی این اثر برای نویسنده محفوظ است

شابک ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۷۷-۷۵-۰

ISBN: 978-622-7377-75-0





سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه : رضائی، رمضان، ۱۳۴۴ -
- عنوان و نام پدیدآور : جغرافیای تاریخی شرق خلافت (خراسان و ماوراءالنهر) / مؤلف: رمضان رضائی.
- مشخصات نشر : تهران: میراث فرهیختگان، ۱۴۰۰.
- مشخصات ظاهری : ۲۳۸ ص.: نقشه (رنگی).
- شابک : 978-622-7377-75-0: ۵۰۰۰۰۰ ریال
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- یادداشت : کتابنامه: ص. ۲۲۵-۲۳۸ "همچنین به صورت زیرنویس".
- موضوع : خراسان بزرگ -- جغرافیای تاریخی
- موضوع : Khorasan (Iran) -- Historical geography
- موضوع : ماوراءالنهر -- جغرافیای تاریخی
- موضوع : Transoxiana -- Historical geography
- رده بندی کنگره : DSR۲۰۱۷
- رده بندی دیویی : ۹۵۵/۸۷
- شماره کتابشناسی ملی : ۸۴۱۹۰۰۱
- اطلاعات رکورد کتابشناسی : فیپا

فهرست مطالب

۱۱	مقدمه مؤلف
۳۳	اصفهان
۳۷	اوضاع اجتماعی اصفهان
۴۲	آبر شهر
۴۳	سابقه تاریخی
۴۷	آسیا
۴۷	۱. بخش اول: سیمای طبیعی
۴۷	موقع جغرافیایی
۵۶	۲. بخش دوم: سابقه تاریخی
۵۶	تمدنهای آسیایی
۶۲	۳. بخش سوم: تقسیمات و مسائل اجتماعی اقتصادی
۶۶	اسلام و سایر مذاهب
۷۰	بسطام
۷۴	افغانستان
۷۴	ساختار زمین و اشکال ناهمواری
۷۶	اقلیم و شبکه آبها
۸۲	آمل
۸۲	وجه تسمیه
۹۴	آثار تاریخی
۹۵	تقلیس
۹۸	علوم و فرهنگ اسلامی در تقلیس
۹۹	خوارزم

- دارابجرد ۱۱۰
- سمرقند ۱۱۴
۱. وجه تسمیه ۱۱۴
۲. پیشینه تاریخی ۱۱۴
۳. شهرها و روستاها ۱۱۸
۴. اهمیت فرهنگی و مذهبی ۱۱۸
۵. شکوه و آبادانی ۱۲۰
۶. هنر و معماری ۱۲۲
- سیراف ۱۲۳
- سیرجان ۱۲۶
- شیراز ۱۲۸
- نیشابور ۱۳۲
- بخارا ۱۳۵
۱. وجه تسمیه ۱۳۵
۲. پیشینه تاریخی ۱۳۷
۳. توابع و بخش‌ها ۱۳۹
۴. اهمیت تاریخی و فرهنگی ۱۴۰
۵. آبادانی و رونق ۱۴۱
۶. اهمیت اقتصادی و تجاری ۱۴۲
۷. هنر معماری ۱۴۴
۸. دانش‌دوستی مردمان بخارا ۱۴۵
- هرات ۱۴۷
- عراق ۱۵۱

۱. لخمیان ۱۵۱
۲. یک اشتباه بزرگ ۱۵۲
۳. یوم ذی قار ۱۵۲
۴. جنگ های ارتداد ۱۵۳
۵. جنگ زنجیر ۱۵۴
۶. نبرد مذار ۱۵۴
۷. جنگ ولجه ۱۵۵
۸. جنگ الیس یا نهر الدم ۱۵۵
۹. جنگ انبار یا ذمت العیون ۱۵۶
۱۰. نبرد پل یا جسر ۱۵۷
۱۱. نبرد قادسیه ۱۵۸
۱۲. موقعیت و مکان نبرد قادسیه ۱۶۰
۱۳. قادسیه ۱۶۱
۱۴. فاصله قادسیه تا بلاد دیگر ۱۶۳
- مداین یا تیسفون ۱۶۴
۱. جهات نامگذاری ۱۶۴
۲. مداین بعد از جنگ ۱۶۸
- جلولا ۱۷۰
- شهرستان تربت حیدریه ۱۷۲
۱. پیشینه تاریخی ۱۷۴
۲. آثار تاریخی ۱۷۷
- تربت جام ۱۷۹
- پیشینه تاریخی ۱۸۰

مقدمه مؤلف

أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ

براساس بررسی های بعمل آمده قدیمی ترین سندی که در باره جغرافیا ایران قدیم مطلب گفته است؛ قسمت های بازمانده اوستا است که در پاره ای از بخش های آن اشاره هایی به وضع یا نام برخی سرزمین ها و دریاها و کوه ها و رودها رفته و در فرگرد یکم کتاب وندیداد از شانزده کشور آفریده اهورامزدا سخن به میان آمده است، ولی چون قسمت های علمی اوستا از میان رفته است در این باره بیش از این اطلاعی به دست نمی آید. پس از آن در سنگ نبشته بغستان (بیستون) به نام کشورهایی که داریوش می گوید بر آن ها فرمانروایی داشته ام برمی خوریم و از همین قبیل اطلاعات مختصر و جزئی در برخی از نوشته های یونانیان نیز مشاهده می شود. از روزگار ساسانیان نیز علاوه بر آن چه جسته گریخته در ضمن بعضی از کتب آن دوران آمده و به دست ما رسیده؛ کتاب مستقل شهرستان های ایران شهر که در آن نام و شرح مختصر شهرهای ایران و برخی از روایات افسانه ای درباره آن ها آمده، در دست است و به فارسی نیز ترجمه شده است ریشه، معنی و مفهوم واژه «جغرافیا»، اصل کلمه یونانی و به صورت «جنوگرافیا» بوده و معرب آن «الجغرافیه» است. واژه «جغرافی» و «جغرافیا» که هر دو در زبان فارسی متداول و دارای یک معنی می باشند از زبان عربی گرفته شده اند. در زبان انگلیسی (Geography جنوگرافی) آمده و اسمی مرکب است و از دو بخش geo، پیشوند و به معنی «زمین» و «خاک» (گاهی به معنی «جغرافیا» و «جغرافیایی») و graphy، پسوند و به معنی «هنر و فن نوشتن و شرح دادن و نمایش دادن»، «علم»، و «دانش» است.

بنابراین معنی واژه آن علم یا دانش نوشتن و شرح دادن احوال زمین و نمایش نقشه آن

بر روی کاغذ است.» گرچه تعاریف متفاوتی از جغرافیا ارائه شده است و هر تعریف بر مبنای یک استناد علمی و یک مبنا و بحث استوار است. از مجموعه تعاریف چنین استنباط می‌شود که جغرافیا بیان رابطه میان محیط و انسان تلقی می‌شود و به عبارتی بیان تمام اجزا و ضوابطی که در محیط برای انسان نقش سازند و همچنین بیان اجزا و روابطی است که از منظر انسان در محیط اثرگذار است. این رابطه، بستر مطالعات جغرافیایی را تشکیل می‌دهد. بنابراین نظر، سیر تاریخی سرزمینهای جهان اسلامی را تشکیل می‌دهد. سیر تاریخی علم جغرافیا به پنج دوره مجزا و منفک تقسیم و ترتیب زیر است: الف. اصطلاح جغرافیا عنوان آثار مریئوس صوری (حدود ۷۰-۱۳۲م) و بطلمیوس قلوذی (حدود ۹۰-۱۶۸م) در زبان عربی به «صورة الارض» ترجمه شده و عنوان برخی آثار جغرافیدانان مسلمان قرار گرفته است. مسعودی (متوفی ۳۴۵ق) این اصطلاح را به معنی «قطع الارض» (در نوردیدن زمین) دانسته است. به هر حال، این اصطلاح اول بار در رسائل اخوان الصفا به معنای «نقشه جهان و اقالیم» به کار رفته است. مسلمانان، جغرافیا را به منزله علمی که همچون امروز، دارای تعریفی روشن و حدود و چارچوب و محتوایی مشخص باشد، نمی‌شناختند. متون جغرافیایی مسلمانان در میان علوم متعدد پراکنده بود و رساله‌های مستقلی که درباره جنبه‌های مختلف جغرافیا نوشته می‌شد، عناوینی مانند «کتاب البلدان»، «صورة الارض»، «المسالك و الممالك»، «علم الطرق» و امثال آن داشت. ب. پیش از اسلام، دانش جغرافیا نزد اعراب به پاره‌ای تصورات سنتی و قدیمی جغرافیایی یا نام امکان در عربستان و سرزمین‌های مجاور محدود بود. پس از ظهور اسلام، توسعه سیاسی مسلمانان در افریقا و آسیا فرصتی به آنها داد تا اطلاعاتی جمع‌آوری کرده و تجارب و مشاهدات خود را از سرزمین‌های که زیر سلطه آنها قرار داشت، یا در همسایگی امپراتوری مسلمین واقع بود، ثبت کنند.

در آغاز حکومت عباسیان و استقرار بغداد به عنوان پایتخت امپراتوری بود که مسلمانان رفته رفته با جغرافیای علمی به معنای واقعی آشنا شدند. فتح ایران، مصر، و سند به

مسلمانان این فرصت را داد که از موفقیت‌های علمی و فرهنگی مردمان این سه مهد تمدن اطلاعات دست اولی کسب کنند، یا به مراکز علمی، آزمایشگاه‌ها، و رصدخانه‌های آنها به سهولت دسترسی یابند. د. بیش از نیم قرن مطالعه و آشنایی با جغرافیای هندی، ایرانی، و یونانی از زمان منصور تا زمان مأمون سبب شد که به طور کلی در تفکر جغرافیایی مسلمانان انقلابی به وجود آید. مفاهیمی نظیر این که زمین گرد است و نه مسطح، و در مرکز عالم قرار دارد، برای اولین بار به گونه‌ای درست و منظم به ایشان عرضه گردید. از آن به بعد آیات قرآنی، و نیز احادیثی که با خلقت جهان، جغرافیا و امثال آن ارتباط پیدا می‌کرد، فقط بدین منظور مورد استفاده قرار می‌گرفت که برای آثار جغرافیایی تأیید مذهبی کسب نمایند، یا این که مسلمانان را به تحصیل جغرافیا و نجوم ترغیب کنند.

به این ترتیب در اوایل قرن سوم، بنیاد واقعی تدوین آثار جغرافیایی به زبان عربی نهاده شد. در طول قرن سوم کتاب‌هایی با عنوان عام «المسالك و الممالك» تألیف شد. به احتمال قوی اولین کتاب از این نوع از آن ابل خرداذبه بوده که نخستین نسخه آن در ۲۳۱ق و دومین آن در ۲۷۲ق تهیه شده است. این اثر خود مبنا و سرمشق نویسندگان جغرافیای عمومی گردید و مورد ستایش فراوان تقریباً تمام جغرافیدانانی قرار گرفت که از آن استفاده کرده‌اند. یکی از جنبه‌های مهم گسترش آثار جغرافیایی مسلمانان، فراهم آمدن کتاب‌های مربوط به دریانوردی و سفرنامه‌ها بود که موجب غنای دانش مسلمین درباره جغرافیای محلی و توصیفی گردید. این امر در نتیجه سه عامل به وجود آمد، اول توسعه سیاسی اسلام و وابستگی دینی، که مسلمانان بدون در نظر گرفتن ملیت و نژاد نسبت به همدیگر احساس می‌کردند، دوم ازدیاد شگفت‌انگیز فعالیت‌های تجارتنی بازرگانان مسلمان؛ سوم راهیابی بهتر برای سفر به حج. قرن پنجم را می‌توان اوج رونق جغرافیای مسلمانان دانست، لذا در نتیجه باید گفت که در دوره کلاسیک (قرن سوم - پنجم)، دانش جغرافیایی مسلمین، اعم از آنچه از یونانیان و دیگران اقتباس کرده، یا خود از طریق پژوهش و مشاهده و مسافرت به دست آورده بودند، در بالاترین سطح پیشرفت قرار داشت.